بازشناسی مؤلفه‌های مؤثر در طراحی مجتمع‌های مسکونی با تأکید بر افزایش هویت محله‌ای

نوع مقاله:
پژوهشی اصیل

تاریخ ارسال: ۱٤۰٤/۱۱/۱۵
تاریخ بازنگری: ۱٤۰۵/۰۱/۱۸
تاریخ پذیرش: ۱٤۰۵/۰٤/۱۰
تاریخ چاپ: ۱٤۰۵/۰٦/۳۱

مشخصات نویسندگان:

۱. ناهید افشار: دانشجوی کارشناسی ارشد، گروه معماری ، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه بین المللی سوره،تهران، ایران
۲. نجمه دشتکی*: استادیار، گروه شهرسازی، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه بین المللی سوره،تهران، ایران

* پست الکترونیکی نویسنده مسئول: dashtaki@soore.ac.ir

© ۱۴۰۵ تمامی حقوق انتشار این مقاله متعلق به نویسنده است.
انتشار این مقاله به‌صورت دسترسی آزاد مطابق با گواهی CC BY-NC 4.0 صورت گرفته است.

شیوه استناددهی: افشار، ناهید.، دشتکی، نجمه.، مقیمی، لیلا. (۱۴۰۵). بازشناسی مؤلفه‌های مؤثر در طراحی مجتمع‌های مسکونی با تأکید بر افزایش هویت محله‌ای. *حکمرانی و شهر هوشمند*،۲(۲)، ۲۰-۱.

چکیده

شهر تهران طی دو قرن گذشته به یکی از کلان‌شهرهای جهان تبدیل شده است. تحولات عظیم این شهر، همراه با مهاجرت گسترده و توسعه و انبوه‌سازی بدون برنامه، چالش‌هایی همچون کاهش کیفیت زندگی، ناهماهنگی با بافت شهری، بی‌هویتی محله‌ها و ضعف در تعاملات اجتماعی و حس تعلق را به دنبال داشته است. پژوهش حاضر با هدف شناسایی مؤلفه‌های مؤثر بر طراحی مجتمع‌های مسکونی معاصر با تأکید بر افزایش هویت محله‌ای انجام شده است. روش پژوهش توصیفی-تحلیلی است که از طریق مطالعات کتابخانه‌ای و تحلیل سلسله‌مراتبی با بهره‌گیری از نرم‌افزار Expert Choice 11، به شناسایی و اولویت‌بندی مؤلفه‌ها پرداخته است. بر اساس چارچوب نظری پژوهش مؤلفه‌های معنایی، اجتماعی، کالبدی و کارکردی به ترتیب اولویت، در ارتقای هویت محله‌ای نقش کلیدی دارند. همچنین از میان مؤلفه‌های معنا، «احساس تعلق و وابستگی» و «احساس آرامش»؛ از بین مؤلفه‌های اجتماعی، «امنیت» و «تعاملات اجتماعی»؛ از مؤلفه‌های کالبدی، «آسایش» و «سلسله‌مراتب» و از میان مؤلفه‌های کارکردی، زیرمؤلفه‌های «تنوع کاربری و خودکارآمدی» و «ارتباط با طبیعت» بیش‌ترین تأثیرگذاری را در افزایش حس هویت محله‌ای دارند. نتایج پژوهش نشان می‌دهد توجه به هویت محله‌ای می‌تواند تأثیرات بلندمدتی ازجمله افزایش پایداری اجتماعی، کاهش نارضایتی ساکنان و ایجاد زیست‌محیط‌های سازگار داشته باشد.

واژگان کلیدی: هویت محله‌ای، مجتمع مسکونی، تعاملات اجتماعی، روابط همسایگی، حس مکان

Recognizing Influential Components in the Design of Residential Complexes with an Emphasis on Enhancing Neighborhood Identity

Article Type:
Original Research

Submit Date: 2026/02/04
Revise Date: 2026/04/07
Accept Date: 2026/07/01
Publish Date: 2026/09/22

© 2026 the authors. This is an open access article under the terms of the CC BY-NC 4.0 License.

Authors' Information:

1. Nahid Afshar: Master's student, Department of Architecture, Faculty of Architecture and Urbanism, Soureh International University, Tehran,Iran
2. Najme Dashtaki*: Assistant professor, Department of Urban Engineering, Faculty of Architecture and Urbanism, Soureh International University, Tehran,Iran

* Corresponding author's email: dashtaki@soore.ac.ir

How to cite this article: Afshar, N., Dashtaki, N., Moghimi, L. (2026). Recognizing Influential Components in the Design of Residential Complexes with an Emphasis on Enhancing Neighborhood Identity. *Governance and Smart City,* 2(2), 1-20.

Abstract

Over the past two centuries, Tehran has evolved into one of the world's major metropolises. The city's immense transformations, coupled with large-scale migration, unplanned development, and rapid mass housing construction, have precipitated significant challenges, including a decline in quality of life, spatial disharmony with the urban fabric, neighborhood placelessness, and a marked erosion of social interactions and sense of belonging. This research aims to identify the factors influencing the design of contemporary residential complexes, with a specific focus on enhancing neighborhood identity. The study adopts a descriptive-analytical methodology, utilizing a comprehensive literature review and the Analytic Hierarchy Process (AHP), supported by Expert Choice 11 software, to identify and prioritize these critical components. Based on the theoretical framework, semantic, social, physical, and functional components—ranked in order of priority—play a pivotal role in promoting neighborhood identity. Furthermore, the sub-components demonstrating the greatest influence on fostering a sense of neighborhood identity include "sense of belonging and attachment" and "sense of tranquility" (Semantic); "security" and "social interactions" (Social); "comfort" and "spatial hierarchy" (Physical); and "land-use diversity/self-efficacy" and "connection with nature" (Functional). The results demonstrate that prioritizing neighborhood identity yields significant long-term benefits, including enhanced social sustainability, reduced resident dissatisfaction, and the creation of more adaptable and compatible living environments.

Keywords: *Neighborhood identity, Residential complex, Social interactions, Neighborly relations, Sense of place.*

مقدمه

در دهه‌های اخیر، کلان‌شهرها با رشدی سریع و گاه بی‌برنامه روبه‌رو بوده‌اند که ساختار کالبدی و کارکردی آن‌ها را با تغییرات اساسی همراه کرده است. این توسعه‌ی ناموزون شهری پیامدهای منفی خواسته و ناخواسته‌ی زیادی مانند ترافیک شدید، آلودگی، فاصله‌ی زیاد محل کار و زندگی و تخریب اراضی کشاورزی به همراه داشته است (بهزادپور و همکاران، ۱۳۹۹: ۱۳۲). این تغییرات ساختار اجتماعی محله‌ها را هم، که از گذشته نقش بنیادینی در شکل‌گیری هویت شهری داشته‌اند، دستخوش چالش‌های جدی کرده است، ازجمله کاهش روابط همسایگی، تعاملات و مشارکت‌های اجتماعی و محله‌ای، ضعف در نظارت و کنترل اجتماعی، ترویج تمایل به انزواگرایی و کاهش روحیه‌ی جمعی (معیدفر و مقدم، ۱۳۸۹: ۱۱۶).

محله‌ها، به‌عنوان مکان‌هایی که انواع تعاملات اجتماعی و اقتصادی در آن‌ها رخ می‌دهد، زمینه‌ساز شکل‌گیری روابط پیچیده‌ای از تعلق، مشارکت، همکاری و هویت جمعی هستند (Martin, 2003: 732) .در فرهنگ ما نیز از دیرباز همسایگی و هم‌محله‌ای بودن رابطه‌ای بسیار صمیمانه تلقی می‌شده، به‌طوری که همسایگان خانواده‌ای بزرگ را شکل می‌دادند (قاسمی اصفهانی، ۱۳۸۳: ۱۶۷). از سوی دیگر هویت، مفهومی چندبُعدی، نسبی و سیال است که هم ازطریق ادراکات درونی فرد و هم ازطریق تعامل با دیگران و محیط شکل می‌گیرد (Proshansky et al., 1983؛ قاسمی اصفهانی، ۱۳۸۳). به بیان دیگر، هویت شامل درک فرد از خود در بستر زمان و مکان است که این درک می‌تواند از طریق ارتباط منحصربه‌فرد با مکان شکل یابد (Pordiheimi et al., 2013). بااین‌حال، پیشرفت فناوری، تمرکز طراحی شهری بر ماشین‌ها و جهانی شدن فرهنگ امکان گونه‌ای متفاوت از تعاملات اجتماعی را فراهم کرده است و فضاهای شهری به «نامکان» هایی تبدیل شده‌اند که حس هویت در آن‌ها رنگ باخته است (Relph, 1976). یکی از آثار این روند، گسترش زندگی در مجتمع‌های مسکونی از پیش طراحی‌شده است (عینی‌فر و آقا لطیفی، ۱۳۹۰: ۲۱)، همان‌طور که در شهرهایی مانند تهران، با محدودیت فضا و افزایش جمعیت، حرکت از رشد افقی به رشد عمودی به‌عنوان راهکاری کلیدی در ساخت‌وساز شهری اتخاذ شده است. هرچند این راه‌حل کالبدی توانسته نیازهای اسکان را برآورده کند، اما اغلب از ابعاد اجتماعی و روان‌شناختی زندگی شهری غفلت کرده است (پوردیهیمی و همکاران، ۱۳۹۲: ۴). درنتیجه، فضاهایی شکل گرفته‌اند که فاقد روح جمعی و محروم از حس تعلق و هویت محله‌ای هستند.

شیوه‌ی زندگی آپارتمانی وابستگی ساکنان به فضای خصوصی داخل خانه را افزایش داده و حضور آن‌ها در فضای عمومی محله را کاهش داده است. این شرایط به احساس بیگانگی با محیط پیرامون منجر شده است، زیرا فرصت یا فضای کافی برای تعامل اجتماعی وجود ندارد (محمدی‌زاده سماکوش و شیری، ۱۳۹۸: ۲۸۶). درحالی‌که خانه به‌عنوان فضای شخصی در مرکز توجه قرار گرفته، محله به‌عنوان بستر تعاملات اجتماعی و تجربه‌ی زیسته به حاشیه رانده‌شده است (Anton & Lawrence, 2014: 459). کاهش همبستگی محله‌ای نه‌تنها انزوا و تنهایی به دنبال دارد، بلکه می‌تواند زمینه‌ساز آسیب‌های اجتماعی جدی همچون افزایش جرم و کاهش اعتماد عمومی شود (موسوی، ۱۳۸۱: ۱۱۳). ازاین‌رو، بازنگری در نحوه‌ی طراحی مجتمع‌های مسکونی با هدف تقویت هویت محله‌ای و ایجاد پیوندهای اجتماعی، نه‌تنها یک ضرورت

طراحی، بلکه نیازی انسانی است.

در این میان، مطالعه‌ی هویت محله‌ای می‌تواند علاوه بر فهم تجربه‌ی زیسته‌ی شهروندان، زمینه‌ی بازآفرینی فضایی را فراهم آورد و پیوند میان فرد، مکان و تجربه‌ی هویتی را روشن کند (Relph, 1976). پژوهش حاضر بر آن است تا به بررسی این موضوع بپردازد که چگونه طراحی مجتمع‌های مسکونی می‌تواند در تقویت هویت محله‌ای و افزایش حس تعلق ساکنان به محیط زندگی‌شان مؤثر باشد. این پژوهش در پی آن است که با رویکردی انسان‌محور، نقش طراحی مجتمع‌های مسکونی را در تقویت هویت محله‌ای بررسی کند و معیارهایی برای طراحی فضاهای مسکونی ارائه دهد که علاوه بر پاسخ‌گویی به نیازهای فیزیکی، مؤلفه‌های هویتی، اجتماعی و فرهنگی را نیز در نظر داشته باشد.

پیشینه و مبانی نظری پژوهش

مفهوم هویت مکان برای اولین بار به‌وسیله‌ی فرِید در دهه‌ی ۱۹۶۰ مطرح شد. وی در کتاب «*سوگواری برای خانه‌ی ازدست‌رفته*» از اصطلاح «هویت فضایی[1]» استفاده کرده و آن را چنین تعریف کرده است: «احساس هویت فضایی برای عملکرد انسان مهم است. این احساس نمایانگر نوعی تداوم پدیداری یا ایدئال‌گرایانه از تجربیات مهم مرتبط با نظام محیطی و تعاملات در ارتباط با تصوری است که فرد از بدن خود در فضا دارد (Wilson,1966: 365). بااین‌حال تعریف علمی و ساختارمند هویت مکان[2] را نخستین بار Proshansky (1978) Proshansky ارائه کرد. Proshansky (1978)«هویت مکان» را «مفهوم زیرساختی از هویت خود» می‌داند که ادراک فرد از دنیای فیزیکی محل زندگی‌اش را دربر می‌گیرد. این ادراک شامل خاطرات، ایده‌ها، احساسات، نگرش‌ها، ارزش‌ها، ترجیحات و معانی مرتبط با رفتار و تجربه‌های افراد در محیط‌های فیزیکی متنوعی است که زندگی روزمره را شکل می‌دهند. در هستهی این ادراک، «گذشتهی محیطی» فرد قرار دارد؛ گذشته‌ای شامل مکان‌ها، فضاها و ویژگی‌هایی که به‌صورت ابزاری نیازهای زیستی، روانی، اجتماعی و فرهنگی او را برآورده کرده‌اند (Proshansky et al., 1983: 59). به باور پروشانسکی، نباید «هویت مکان» را ساختاری شناختی و منسجم از هویت فرد تصور کرد، بلکه بهتر است آن را مجموعه‌ای از خاطرات، برداشت‌ها، تفسیرها، ایده‌ها و احساسات مرتبط با محیط‌های فیزیکی خاص یا انواع محیط‌ها دانست. محتوای هویت مکان و پیوندهای آن با جنسیت، سن، طبقهی اجتماعی، شخصیت و سایر ویژگی‌های فردی، در طول زندگی تغییر می‌کند و به هیچ‌کدام از این دسته‌بندی‌ها محدود نمی‌شود (Proshansky et al., 1983: 60).

ازاین‌جهت، مفهوم هویت مکان به پیوندی اشاره دارد که افراد با مکان برقرار می‌کنند؛ به توسعهی خود از طریق مکان و به فرایند شکل‌گیری مکان که هم تحت تأثیر حضور انسان قرار دارد و هم ازطریق محیط صورت می‌گیرد (Bilgenoğlu, 2006: 8). این پیوند در بستر مکان، زمان و فرهنگ شکل می‌گیرد (فلاح زرومی و حمزه‌نژاد، ۱۴۰۲: ۱۹) و ازطریق انجام تغییرات متناسب با نیازهای انسانی در تعامل با قابلیت‌های محیط کالبدی معنا می‌یابد (مطلبی، ۱۳۸۵: ۵۸). نقی‌زاده (۱۳۸۱) نیز به ویژگی دوسویه‌ی این ارتباط اشاره می‌کند: همان‌گونه که محیط بازتاب فرهنگ و ارزش‌های جامعه است، انسان نیز بخشی از هویت خود را در مکان می‌جوید، به آن افتخار می‌کند یا از آن می‌گریزد. مردم به واحد

[1] Spatial Identity
[2] Place identity

فضایی باهویتی نیاز دارند تا به آن تعلق داشته باشند، آن‌ها نیاز دارند تا بتوانند قسمتی از شهر را که در آن زندگی می‌کنند متمایز از بقیه‌ی شهر تشخیص دهند (Alexander, 1977: 81). در این راستا، کوپر (۱۹۷۱) خانه را فراتر از فضایی فیزیکی و به‌مثابه‌ی بازتاب هویت ساکنانش معرفی می‌کند؛ مکانی که از طریق چیدمان و انتخاب‌های شخصی، بازتابی از شخصیت و ارزش‌های ساکن می‌شود. تویگر رأس و اوزل (۱۹۹۶) چهار اصل را برای ایجاد حس هویت در هر مکانی پیشنهاد می‌کنند: تمایز، به معنای ایجاد رابطه‌ای خاص و منحصربه‌فرد با مکان؛ خودکارآمدی که به توانایی فرد برای پاسخ‌گویی به نیازهایش در محیط اشاره دارد؛ عزت‌نفس که بیانگر ارزیابی مثبت فرد از خود یا گروهش در ارتباط با مکان است و تداوم که به حفظ تجربیات فردی از طریق نشانه‌های حافظه‌ای در محیط مربوط می‌شود.

در تکمیل این دیدگاه‌ها، بهزادفر (۱۳۸۶) هویت مکان را نوعی خودهمانی با فضا تعبیر می‌کند، به‌گونه‌ای که انسان مکان را بخشی از شخصیت خود تلقی می‌کند و با آن شناخته می‌شود. هویت به‌جای این‌که آدرسی ساده در یک روزنامه یا نقطه‌ای روی نقشه باشد، ویژگی‌ای بنیادین بر اساس تجربیات ما از مکان است که هم بر آن تجربیات تأثیر می‌گذارد و هم از آن تأثیر می‌پذیرد (Relph, 1976: 45). Lynch (2002) هویت را «معنای یک محل» می‌داند. حدی که شخص می‌تواند مکانی مشخص را به‌مثابه‌ی مکانی متمایز از سایر مکان‌ها بشناسد یا بازشناسی کند (Lynch, 2002: 168).

بررسی مفاهیم مرتبط با هویت محله نشان می‌دهد محله مفهومی چندبعدی است که نه‌تنها از جنبه‌های کالبدی، بلکه از جنبه‌های فرهنگی، اجتماعی و روان‌شناختی نیز تشکیل می‌شود. علاوه بر این، جهانی شدن و فرایندهای مرتبط با آن تغییرات عمده‌ای در نحوه‌ی ادراک و تجربه مکان‌ها به وجود آورده است. در این راستا، بحران هویت مکان می‌تواند یکی از پیامدهای مهم جهانی شدن و تغییرات فرهنگی تلقی شود، زیرا افراد و جوامع ممکن است در برابر مکان‌هایی که دیگر ارتباط معنایی با آن‌ها ندارند، احساس بی‌ریشگی و سردرگمی کنند. این بحران می‌تواند به کاهش حس تعلق و کاهش کیفیت زندگی در فضاهای شهری و محله‌ها منجر شود.

از این منظر، نظریه‌ی «پنجره‌های شکسته» (Wilson & Kelling, 1982) نیز قابل‌تأمل است. بر اساس این نظریه، اشکالِ جزئیِ بی‌نظمی عمومی می‌توانند به وقوع جرایم جدی‌تر و روند نزولی انحطاط شهری منجر شوند (Kelling and Coles 1996 به نقل از Sampson, 2004: 319). ناهنجاری‌های فیزیکی مانند دیوارنویسی، زباله، سقف‌های نامناسب یا پیاده‌روهای فروریخته، علاوه بر آن‌که هزینه‌برند، نشانه‌های نمادین ضعف کنترل اجتماعی تلقی می‌شوند و نشان می‌دهند که ساکنان بر محله‌ی خود تسلط یا مشارکت چندانی درآن ندارند؛ وضعیتی که بافت اجتماعی جامعه را در معرض فرسایش قرار می‌دهد (Brown & Perkins, 2003: 260–261). این نوع نشانه‌های بصری حتی می‌توانند مجرمان را جذب کنند، زیرا آن‌ها با مشاهدهی این وضعیت، محله را مکانی بی‌دفاع و بی‌تفاوت تلقی می‌کنند (Sampson, 2004: 319) . به‌طور کلی، این ناهنجاری‌های فیزیکی هزینه‌های مالی و روانی را افزایش داده، انگیزهی سرمایه‌گذاری و مشارکت اجتماعی را کاهش می‌دهند. بنابراین، برای ارتقای کیفیت فضای کالبدی و هویت محله لازم است علاوه بر رسیدگی به جنبه‌های فیزیکی محیط، به مسائل اجتماعی و کنش‌های ساکنان نیز توجه شود. تقویت حس تعلق، افزایش نظارت اجتماعی و ایجاد فضاهایی که نشان‌دهندهی کنترل، احترام و مشارکت ساکنان باشد، می‌تواند از روند نزولی زوال شهری جلوگیری کند و محیطی امن، زیبا و پایدار فراهم آورد.

بااین‌حال، مطالعات مختلف نشان داده‌اند که هویت محله، به‌ویژه در شرایط کنونی، از مؤلفه‌های متعددی تشکیل شده که هر کدام به نحوی بر تجربیات ساکنان و ارتباط آن‌ها با فضا تأثیرگذارند. به‌منظور بررسی دقیق‌تر این مؤلفه‌ها و درک بهتر چگونگی تأثیرگذاری آن‌ها بر هویت محله، در جدول ۱ فهرستی از مهم‌ترین مؤلفه‌های مؤثر بر هویت محله ارائه شده که در پژوهش‌ها و مطالعات پیشین به آن‌ها پرداخته شده است.

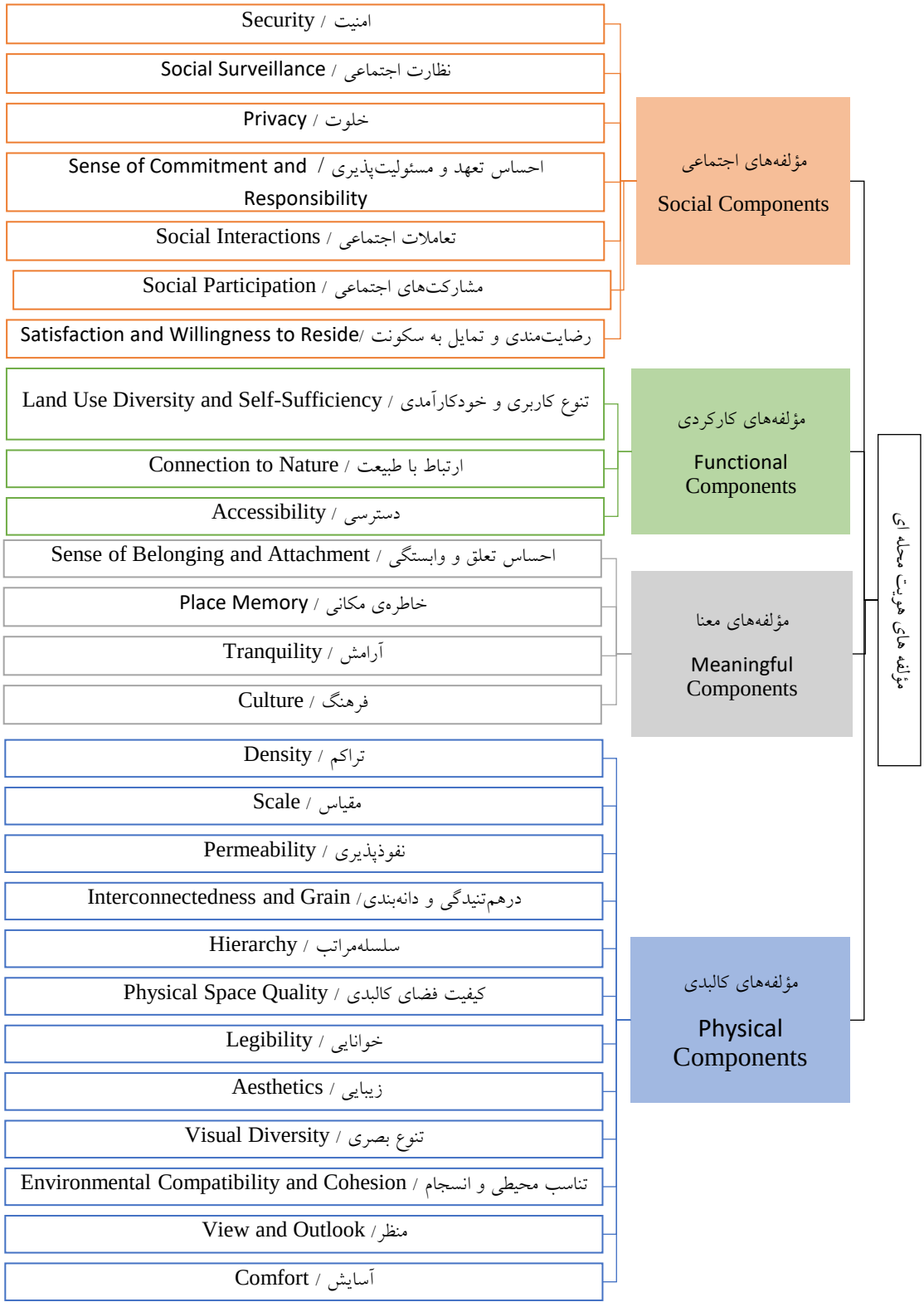
جدول ۱. مروری بر ادبیات موضوع

دسته	مؤلفه‌ها	صاحب‌نظران
کالبد	تراکم	رلف (۱۹۷۶)، مونتگومری (۱۹۹۸)، گلستر (۲۰۰۱)، نبوی و همکاران (۱۴۰۱)
	مقیاس	مونتگومری (۱۹۹۸)، گلستر (۲۰۰۱)، نبوی و همکاران (۱۴۰۱)، غروی الخوانساری (۱۳۹۶)
	نفوذپذیری	رلف (۱۹۷۶)، مونتگومری (۱۹۹۸)، قاسمی اصفهانی (۱۳۸۳)، ترکاشوند و همکاران (۱۳۹۶)، خادم مؤخر و همکاران (۱۳۹۶)
	درهم‌تنیدگی و دانه‌بندی	نبوی و همکاران (۱۴۰۱)، قاسمی اصفهانی (۱۳۸۳)، واعظی و علیمردانی (۱۳۹۷)
	سلسله‌مراتب	آناستاسیو و همکاران (۲۰۲۲)، غروی الخوانساری (۱۳۹۶)
	کیفیت محیط کالبدی	رلف (۱۹۷۶)، آناستاسیو و همکاران (۲۰۲۲)، گلستر (۲۰۰۱)، هور و مورو جونز (۲۰۰۸)، جوکار و همکاران (۲۰۲۱)، جهانی دولت‌آباد و همکاران (۱۳۹۲)، محمدی‌زاده سماکوش و شیری (۱۳۹۸)
	خوانایی	رلف (۱۹۷۶)، مونتگومری (۱۹۹۸)، قاسمی اصفهانی (۱۳۸۳)، نجاتی حسینی و شاه‌سیاه (۱۳۹۱)، ارباب و همکاران (۱۳۹۴)، ترکاشوند و همکاران (۱۳۹۶)، خادم مؤخر و همکاران (۱۳۹۶)، نبوی و همکاران (۱۴۰۱)
	زیبایی	سرایی و همکاران (۱۳۹۴)، کیانی (۱۴۰۰)
	تنوع بصری	نبوی و همکاران (۱۴۰۱)
	تناسب محیطی و انسجام	لینچ (۲۰۰۲)، ارباب و همکاران (۱۳۹۴)، غروی الخوانساری (۱۳۹۶)، نبوی و همکاران (۱۴۰۱)
	آسایش	قاسمی اصفهانی (۱۳۸۳)، ترکاشوند و همکاران (۱۳۹۶)، مجیدی و حیدری (۱۳۹۶)، طهماسبی‌زاده و مسعود (۱۴۰۱)
	منظر	رلف (۱۹۷۶)، آناستاسیو و همکاران (۲۰۲۲)، بهزادفر (۱۳۸۶)، خادم مؤخر و همکاران (۱۳۹۶)
معنا	حس تعلق و وابستگی	رلف (۱۹۷۶)، لینچ (۲۰۰۲)، کوبا و هامون (۱۹۹۳)، گلستر (۲۰۰۱)، جوکار و همکاران (۲۰۲۱)، آناستاسیو و همکاران (۲۰۲۲)، قاسمی و نگینی (۱۳۸۹)، شماعی و جهانی (۱۳۹۰)، وحیدا و نگینی (۱۳۹۱)، نجاتی حسینی و شاه‌سیاه (۱۳۹۱)، نوابخش و همکاران (۱۳۹۱)، فکوهی و حسین‌یزدی (۱۳۹۲)، طبیبیان و منصوری (۱۳۹۲)، جهانی دولت آباد و همکاران (۱۳۹۲)، مشکینی و همکاران (۱۳۹۴)، ارباب و همکاران (۱۳۹۴)، مجیدی و حیدری (۱۳۹۶)، نادریان (۱۳۹۶)، خادم مؤخر و همکاران (۱۳۹۶)، کیانی (۱۴۰۰)، طهماسبی‌زاده و مسعود (۱۴۰۱)، نبوی و همکاران (۱۴۰۱)
	خاطره‌ی مکانی	رلف (۱۹۷۶)، مونتگومری (۱۹۹۸)، جوکار و همکاران (۲۰۲۱)، آناستاسیو و همکاران (۲۰۲۲)، نجاتی حسینی و شاه‌سیاه (۱۳۹۱)، فکوهی و حسین‌یزدی (۱۳۹۲)، طبیبیان و منصوری (۱۳۹۲)، ارباب و همکاران (۱۳۹۴)، نادریان (۱۳۹۶)، واعظی و علیمردانی (۱۳۹۷)، طهماسبی‌زاده و مسعود (۱۴۰۱)، نبوی و همکاران (۱۴۰۱)
	نمادگرایی	رلف (۱۹۷۶)، مونتگومری (۱۹۹۸)، جوکار و همکاران (۲۰۲۱)، ترکاشوند و همکاران (۱۳۹۶)، واعظی و علیمردانی (۱۳۹۷)
	آرامش	رلف (۱۹۷۶)، قاسمی اصفهانی (۱۳۸۳)، کیانی (۱۴۰۰)، نبوی و همکاران (۱۴۰۱)
	فرهنگ	مونتگومری (۱۹۹۸)، آناستاسیو و همکاران (۲۰۲۲)، نقره‌کار (۱۳۸۷)، ترکاشوند و همکاران (۱۳۹۶)، نادریان (۱۳۹۶)، واعظی و علیمردانی (۱۳۹۷)، نبوی و همکاران (۱۴۰۱)
	اهمیت تاریخی	گلستر (۲۰۰۱)، آناستاسیو و همکاران (۲۰۲۲)، بهزادفر (۱۳۸۶)، قاسمی و نگینی (۱۳۸۹)، جهانی دولت آباد و همکاران (۱۳۹۲)، نادریان (۱۳۹۶)، واعظی و علیمردانی (۱۳۹۷)
	شناخت محلی و اجتماعی	جوکار و همکاران (۲۰۲۱)، شماعی و جهانی (۱۳۹۰)، سرایی و همکاران (۱۳۹۴)، ارباب و همکاران (۱۳۹۴)، غروی الخوانساری (۱۳۹۶)، نادریان (۱۳۹۶)، کیانی (۱۴۰۰)
فعالیت	تنوع کاربری و خودکارآمدی	رلف (۱۹۷۶)، کوبا و هامون (۱۹۹۳)، مونتگومری (۱۹۹۸)، لینچ (۱۳۸۱)، جوکار و همکاران (۲۰۲۱)، جهانی دولت آباد و همکاران (۱۳۹۲)، ارباب و همکاران (۱۳۹۴)، غروی الخوانساری (۱۳۹۶)، ترکاشوند و همکاران (۱۳۹۶)، مجیدی و حیدری (۱۳۹۶)، نادریان (۱۳۹۶)، خادم مؤخر و همکاران (۱۳۹۶)، واعظی و علیمردانی (۱۳۹۷)، کیانی (۱۴۰۰)
	ارتباط با طبیعت	رلف (۱۹۷۶)، گلستر (۲۰۰۱)، آناستاسیو و همکاران (۲۰۲۲)، بهزادفر (۱۳۸۶)، نبوی و همکاران (۱۴۰۱)، واعظی و

دسته	مؤلفه‌ها	صاحب‌نظران
		علیمردانی (۱۳۹۷)، ترکاشوند و همکاران (۱۳۹۶)، هور و مورو جونز (۲۰۰۸)، نقره‌کار (۱۳۸۷)، جهانی دولت‌آباد و همکاران (۱۳۹۲)، نادریان (۱۳۹۶)
	دسترسی	رلف (۱۹۷۶)، گلستر (۲۰۰۱)، لینچ (۲۰۰۲)، هور و مورو جونز (۲۰۰۸)، جوکار و همکاران (۲۰۲۱)، آناستاسیو و همکاران (۲۰۲۲)، بهزادفر (۱۳۸۶)، سرایی و همکاران (۱۳۹۴)، غروی الخوانساری (۱۳۹۶)، ترکاشوند و همکاران (۱۳۹۶)، مجیدی و حیدری (۱۳۹۶)، خادم مؤخر و همکاران (۱۳۹۶)، واعظی و علیمردانی (۱۳۹۷)، طهماسبی‌زاده و مسعود (۱۴۰۱)، نبوی و همکاران (۱۴۰۱)
	مبلمان شهری و محوطه‌سازی	ترکاشوند و همکاران (۱۳۹۶)، خادم مؤخر و همکاران (۱۳۹۶)، نبوی و همکاران (۱۴۰۱)
	تعاملات اجتماعی	رلف (۱۹۷۶)، گلستر (۲۰۰۱)، هور و مورو جونز (۲۰۰۸)، جوکار و همکاران (۲۰۲۱)، آناستاسیو و همکاران (۲۰۲۲)، قاسمی و نگینی (۱۳۸۹)، وحیدا و نگینی (۱۳۹۱)، پوردیهیمی و همکاران (۱۳۹۲)، طبیبیان و منصوری (۱۳۹۲)، ارباب و همکاران (۱۳۹۴)، ترکاشوند و همکاران (۱۳۹۶)، مجیدی و حیدری (۱۳۹۶)، خادم مؤخر و همکاران (۱۳۹۶)، واعظی و علیمردانی (۱۳۹۷)، محمدی‌زاده سماکوش و شیری (۱۳۹۸)، طهماسبی‌زاده و مسعود (۱۴۰۱)، نبوی و همکاران (۱۴۰۱)
	مشارکت اجتماعی	رلف (۱۹۷۶)، کوبا و هامون (۱۹۹۳)، گلستر (۲۰۰۱)، هور و مورو جونز (۲۰۰۸)، معیدفر و مقدم (۱۳۸۹)، شماعی و جهانی (۱۳۹۰)، طبیبیان و منصوری (۱۳۹۲)، جهانی دولت آباد و همکاران (۱۳۹۲)، مشکینی و همکاران (۱۳۹۴)، سرایی و همکاران (۱۳۹۴)، نادریان (۱۳۹۶)، کیانی (۱۴۰۰)
	تجمعات و رویدادهای محلی	رلف (۱۹۷۶)، مونتگومری (۱۹۹۸)، جهانی دولت آباد و همکاران (۱۳۹۲)، ترکاشوند و همکاران (۱۳۹۶)، نادریان (۱۳۹۶)، خادم مؤخر و همکاران (۱۳۹۶)، واعظی و علیمردانی (۱۳۹۷)
	مدت‌زمان سکونت	هور و مورو جونز (۲۰۰۸)، فکوهی و حسین‌یزدی (۱۳۹۲)، مشکینی و همکاران (۱۳۹۴)، مجیدی و حیدری (۱۳۹۶)، کیانی (۱۴۰۰)
	رضایت‌مندی و تمایل به سکونت	هور و مورو جونز (۲۰۰۸)، جوکار و همکاران (۲۰۲۱)، ارباب و همکاران (۱۳۹۴)، نبوی و همکاران (۱۴۰۱)
	احساس تعهد و مسئولیت‌پذیری	معیدفر و مقدم (۱۳۸۹)، شماعی و جهانی (۱۳۹۰)، نوابخش و همکاران (۱۳۹۱)، طبیبیان و منصوری (۱۳۹۲)، سرایی و همکاران (۱۳۹۴)، کیانی (۱۴۰۰)
	امنیت	رلف (۱۹۷۶)، هور و مورو جونز (۲۰۰۸)، جوکار و همکاران (۲۰۲۱)، آناستاسیو و همکاران (۲۰۲۲)، قاسمی اصفهانی (۱۳۸۳)، قاسمی و نگینی (۱۳۸۹)، شماعی و جهانی (۱۳۹۰)، وحیدا و نگینی (۱۳۹۱)، جهانی دولت آباد و همکاران (۱۳۹۲)، سرایی و همکاران (۱۳۹۴)، نادریان (۱۳۹۶)، محمدی‌زاده سماکوش و شیری (۱۳۹۸)، نبوی و همکاران (۱۴۰۱)
	نظارت اجتماعی و نظم عمومی	گلستر (۲۰۰۱)، لینچ (۲۰۰۲)، معیدفر و مقدم (۱۳۸۹)، جهانی دولت آباد و همکاران (۱۳۹۲)، نادریان (۱۳۹۶)، کیانی (۱۴۰۰)
	وضع اقتصادی ساکنان	گلستر (۲۰۰۱)، جهانی دولت آباد و همکاران (۱۳۹۲)، نادریان (۱۳۹۶)

هویت محله‌ای، منبع: نگارندگان.

در این پژوهش، برای تجزیه‌وتحلیل دقیق‌تر مؤلفه‌های هویت محله، این مؤلفه‌ها به چهار دسته‌ی اصلی تقسیم شده‌اند که هر کدام به جنبه‌ی خاصی از هویت محله اشاره دارند. این دسته‌بندی بر اساس اهمیت و ارتباط آن‌ها با موضوع پژوهش صورت گرفته است. نمودار ۱ این مؤلفه‌ها را نشان می‌دهد.



نمودار ۱. مؤلفه‌های هویت محله‌ای، منبع: نگارندگان.

روش‌شناسی

پژوهش حاضر ازنظر روش‌شناسی، توصیفی-تحلیلی و ازنظر هدف، کاربردی است. در این مطالعه، داده‌های موردنیاز به شیوه‌ی اسنادی و کتابخانه‌ای گردآوری شده‌اند. در گام اول، مبانی نظری پژوهش ازطریق بررسی منابع علمی شامل کتاب‌ها و مقالات معتبر و مرتبط استخراج‌شده و مؤلفه‌های اثرگذار بر طراحی مجتمع‌های مسکونی با تأکید بر افزایش هویت محله‌ای شناسایی شده‌اند. در گام دوم، تکنیک تحلیل سلسله‌مراتبی برای اولویت‌بندی این مؤلفه‌ها به کار گرفته شده و فرایند تحلیل با استفاده از نرم‌افزار Expert Choice 11 انجام شده است. برای انجام تحلیل‌های سلسله‌مراتبی از روش نمونه‌گیری هدفمند استفاده شده است. ۱۲ نفر از متخصصان و خبرگان حوزه‌ی معماری و شهرسازی در پژوهش حاضر مشارکت داشتند که دارای تجربه و دانش تخصصی در زمینه‌ی طراحی مجتمع‌های مسکونی و ارتقای هویت محله‌ای بودند. شرکت‌کنندگان با تکمیل ماتریس مقایسه‌های زوجی، در تعیین اولویت‌بندی مؤلفه‌های تأثیرگذار بر هویت محله‌ای در مجتمع‌های مسکونی مشارکت داشته‌اند.

مراحل اجرای پژوهش

پژوهش حاضر توصیفی-تحلیلی است که در دو گام اصلی انجام شده است در گام اول داده‌های نظری ازطریق مطالعات کتابخانه‌ای و تحلیل منابع علمی مرتبط جمع‌آوری شدند. هدف از این مرحله شناسایی مؤلفه‌های اثرگذار بر طراحی مجتمع‌های مسکونی با تأکید بر افزایش هویت محله‌ای و نیز دست‌یابی به درک جامع از موضوع پژوهش بود.

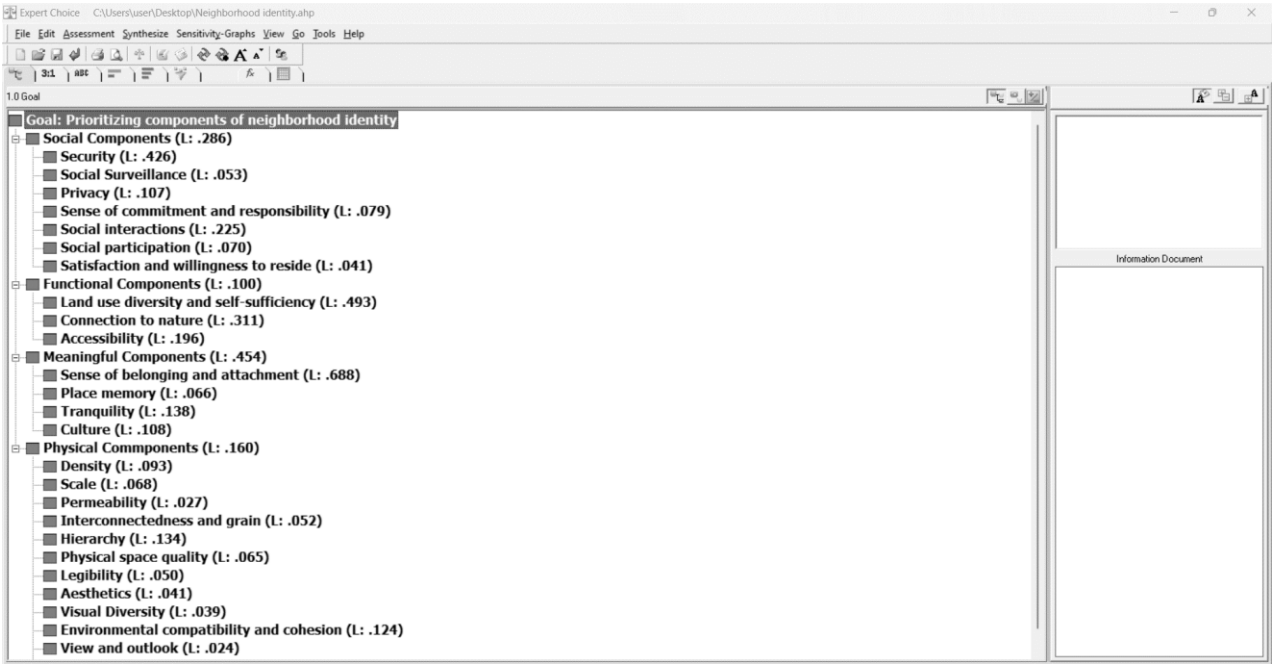
در گام دوم، پس از شناسایی مؤلفه‌های اثرگذار، اولویت‌بندی آن‌ها با استفاده از تکنیک تحلیل سلسله-مراتبی تجزیه‌وتحلیل شد. روش سلسله‌مراتبی نوعی روش تصمیم‌گیری چندمعیاره برای حل مسائل پیچیده است. بدین منظور از نرم‌افزار Expert Choice 11 استفاده شد. این گام نیز در چند مرحله انجام شد:

۱) در مرحله‌ی اول، هدف پژوهش یعنی «اولویت‌بندی مؤلفه‌های هویت محله‌ای» تعیین شد.

۲) ساختار سلسله‌مراتبی شامل مؤلفه‌های اصلی (مؤلفه‌های اجتماعی، کارکردی، معنا و کالبدی) و زیرمؤلفه‌های آن‌ها تعیین شد.

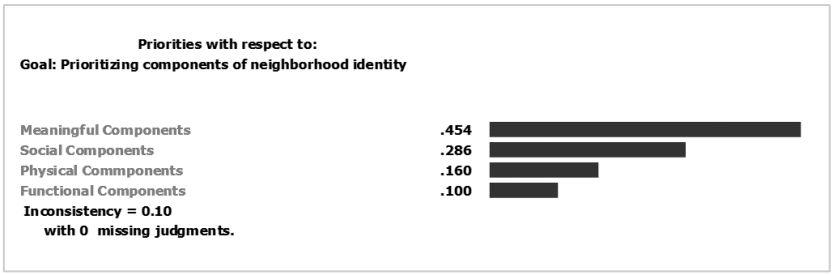
۳) اطلاعات پرسش‌نامه‌ها که شامل سنجش هر مؤلفه نسبت به دیگری بود از متخصصان و کارشناسان جمع‌آوری شد و تعدیلات لازم با نرخ ناسازگاری بیش از ۰.۱ صورت گرفت.

۴) داده‌ها در نرم‌افزار Expert Choice 11 وارد شد. (تصویر ۱)



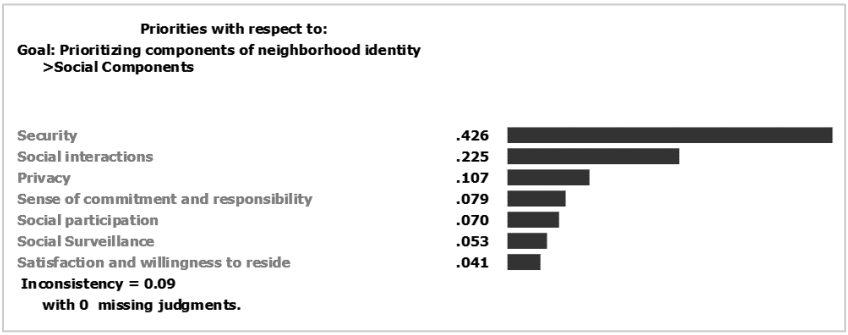
تصویر ۱. محاسبه‌ی وزن و اهمیت مؤلفه‌ها و زیرمؤلفه‌ها در نرم‌افزار Expert Choice، منبع: نگارندگان.

۵) وزن نسبی هر مؤلفه بر اساس تحلیل سلسله‌مراتبی محاسبه و اولویت‌بندی مؤلفه‌ها در راستای هدف پژوهش تعیین شد. (تصویر ۲)

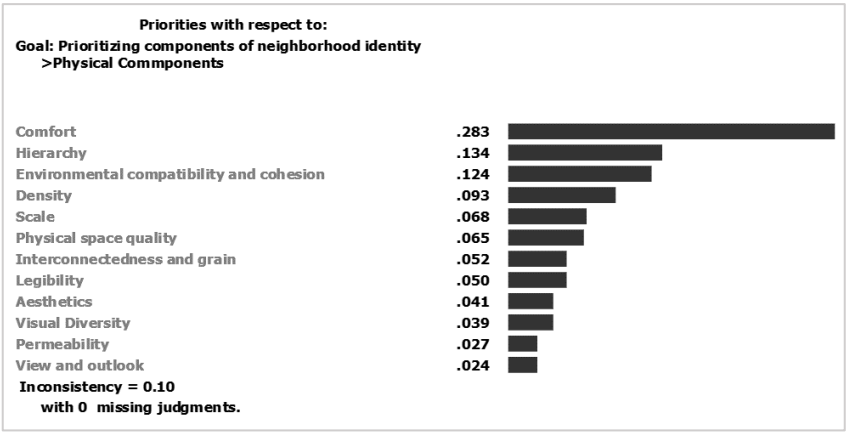


تصویر ۲. محاسبه‌ی وزن مؤلفه‌های اصلی و اولویت‌بندی آن‌ها در نرم‌افزار Expert Choice، منبع: نگارندگان.

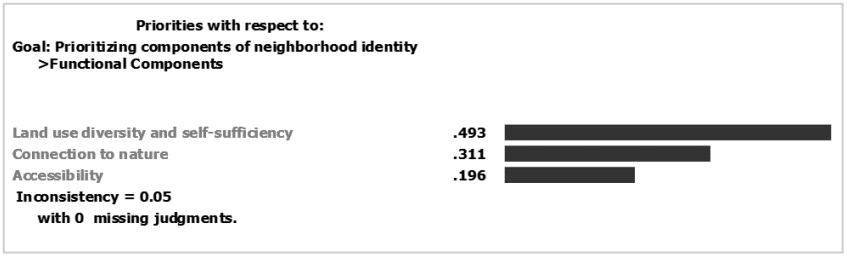
۶) وزن نسبی زیرمؤلفه‌ها بر اساس تحلیل سلسله‌مراتبی محاسبه و اولویت‌بندی آن‌ها در راستای هدف پژوهش تعیین شد. (تصویر ۳)



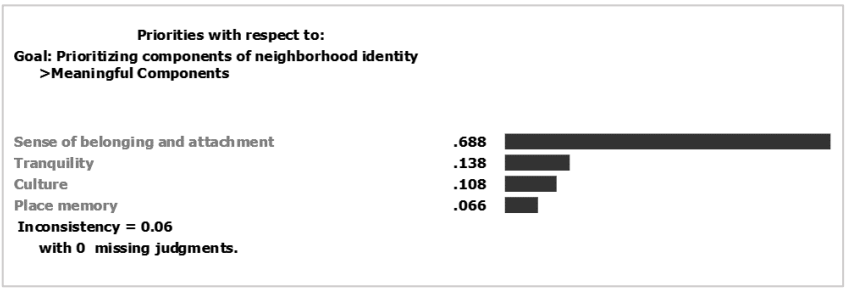
تصویر ۳. محاسبه‌ی وزن زیرمؤلفه‌های اجتماعی و اولویت‌بندی آن‌ها در نرم‌افزار Expert Choice، منبع: نگارندگان.



تصویر ۴. محاسبه‌ی وزن زیرمؤلفه‌های کالبدی و اولویت‌بندی آن‌ها در نرم‌افزار Expert Choice، منبع: نگارندگان.



تصویر ۵. محاسبه‌ی وزن زیرمؤلفه‌های کارکردی و اولویت‌بندی آن‌ها در نرم‌افزار Expert Choice، منبع: نگارندگان.



تصویر ۶. محاسبه‌ی وزن زیرمؤلفه‌های معنا و اولویت‌بندی آن‌ها در نرم‌افزار Expert Choice، منبع: نگارندگان.

بحث و نتیجه‌گیری

با توجه به داده‌های گردآوری‌شده و به‌منظور بازشناسی مؤلفه‌های مؤثر در طراحی مجتمع‌های مسکونی با تأکید بر افزایش هویت محله‌ای، از مقیاسی ۹ درجه‌ای و نرم‌افزار Expert Choice 11 برای اولویت‌بندی شاخص‌ها و زیرشاخص‌ها و نیز نرمال‌سازی معیارها استفاده شده است. همچنین میزان اهمیت هر یک از معیارها و زیرمعیارها در جدول ۲ ارائه شده است.

جدول ۲. امتیازدهی مؤلفه‌ها و زیرمؤلفه‌ها، منبع: نگارندگان.

مؤلفه‌ها	امتیاز	زیرمؤلفه‌ها	امتیاز
معنا	L = ۰.۴۵۴	احساس تعلق و وابستگی	L = ۰.۶۸۸
		آرامش	L = ۰.۱۳۸
		فرهنگ	L = ۰.۱۰۸
		خاطره‌ی مکانی	L = ۰.۰۶۶

مؤلفه‌ها	امتیاز	زیرمؤلفه‌ها	امتیاز
اجتماعی	L = ۰.۲۸۶	امنیت	L = ۰.۴۲۶
		تعاملات اجتماعی	L = ۰.۲۲۵
		خلوت	L = ۰.۱۰۷
		احساس تعهد و مسئولیت‌پذیری	L = ۰.۰۷۹
		مشارکت اجتماعی	L = ۰.۰۷۰
		نظارت اجتماعی	L = ۰.۰۵۳
		رضایت‌مندی و تمایل به سکونت	L = ۰.۰۴۱
کالبدی	L = ۰.۱۶۰	آسایش	L = ۰.۲۸۳
		سلسله‌مراتب	L = ۰.۱۳۴
		تناسب محیطی و انسجام	L = ۰.۱۲۴
		تراکم	L = ۰.۰۹۳
		مقیاس	L = ۰.۰۶۸
		کیفیت فضای کالبدی	L = ۰.۰۶۵
		درهم تنیدگی و دانه‌بندی	L = ۰.۰۵۲
		خوانایی	L = ۰.۰۵۰
		زیبایی	L = ۰.۰۴۱
		تنوع بصری	L = ۰.۰۳۹
		نفوذپذیری	L = ۰.۰۲۷
		منظر	L = ۰.۰۲۴
کارکردی	L = ۰.۱۰۰	تنوع کاربری و خودکارآمدی	L = ۰.۴۹۳
		ارتباط با طبیعت	L = ۰.۳۱۱
		دسترسی	L = ۰.۱۹۶

جدول ۲ ساختار سلسله‌مراتبی مؤلفه‌ها و زیرمؤلفه‌های مؤثر در طراحی مجتمع‌های مسکونی را با تأکید بر ارتقای هویت محله‌ای و نیز مقادیر امتیازی هر یک از آن‌ها را نمایش می‌دهد. در این مرحله، مقایسه‌های زوجی مؤلفه‌ها و زیرمؤلفه‌ها در نرم‌افزار Expert Choice 11 انجام شد و به‌واسطه‌ی محاسبات سلسله‌مراتبی، وزن نسبی هر زیرمؤلفه استخراج شد. بدین‌ترتیب، امکان اولویت‌بندی زیرمؤلفه‌ها در هر دسته فراهم شد. نتایج، جایگاه نسبی هر زیرمؤلفه را در تقویت هویت محله‌ای در فرایند طراحی مجتمع‌های مسکونی تبیین می‌کند و مبنایی تحلیلی برای تصمیم‌گیری‌های طراحی در سطوح مختلف فراهم می‌آورد.

بر اساس نتایج تحلیل سلسله‌مراتبی، مؤلفه‌های اثرگذار در طراحی مجتمع‌های مسکونی با تأکید بر افزایش هویت محله‌ای به‌ترتیب شامل چهار مؤلفه‌ی اصلی هویت محله‌ای بودند که عبارت‌اند از: ۱) مؤلفه‌های معنا؛ ۲) مؤلفه‌های اجتماعی؛ ۳) مؤلفه‌های کالبدی و ۴) مؤلفه‌های کارکردی. از مؤلفه‌های معنا، «احساس تعلق و وابستگی» و «آرامش» اولویت بالاتری دارند. در میان مؤلفه‌های اجتماعی، «امنیت» و «تعاملات اجتماعی» و از مؤلفه‌های کالبدی «آسایش» و «سلسله‌مراتب» جایگاه بالاتری میان زیرمؤلفه‌های دیگر دارند. در آخر، میان مؤلفه‌های کارکردی، «تنوع کاربری و خودکارآمدی» و «ارتباط با طبیعت» اولویت بالاتری دارند. این نتایج نشان می‌دهد در برنامه‌ریزی و طراحی محله‌ای، توجه به ابعاد معنایی و اجتماعی در اولویت قرار دارد و عناصر امنیت، احساس تعلق و آسایش تأثیر بسزایی در شکل‌گیری و ارتقای

هویت محله‌ای دارند. جزئیات و ضرایب اهمیت هر زیرمعیار نیز می‌تواند به‌عنوان معیارهای کلیدی در تصمیم‌گیری‌ها و طراحی‌های آتی استفاده شود.

نتایج این پژوهش نشان می‌دهد طراحی معمارانهی مجتمع‌های مسکونی، در صورتی که با نگاهی جامع، انسان‌محور و چندبُعدی انجام شود، می‌تواند نقشی تعیین‌کننده در تقویت هویت محله‌ای و ارتقای کیفیت زندگی شهری ایفا کند. تحلیل سلسله‌مراتبی داده‌ها بیانگر آن است که مؤلفه‌های مؤثر بر هویت محله‌ای صرفاً در بُعد کالبدی خلاصه نمی‌شوند، بلکه شبکه‌ای درهم‌تنیده از عوامل کالبدی، کارکردی، معنایی و اجتماعی را شامل می‌شوند که درمجموع، تجربهی زیست در محله را شکل می‌دهند. در این پژوهش، با تمرکز بر این چهار بُعد و بر اساس مطالعات انجام‌شده، مجموعه‌ای از راهکارهای معمارانه استخراج شد که می‌توانند به‌عنوان خطوط راهنمای طراحی در مجتمع‌های مسکونی به کار روند و مسیر تحقق محله‌های سرزنده، ایمن و معنادار را هموار سازند.

از مهم‌ترین این راهکارها می‌توان به طراحی فضاهای عمومی و نیمه‌عمومی با اشراف بصری مناسب و جلوگیری از فضاهای کور اشاره کرد که علاوه بر ارتقای امنیت، به شکل‌گیری شبکه‌های اجتماعی محله کمک می‌کند. نورپردازی هدفمند و مناسب نیز نه‌تنها امنیت شبانه را افزایش می‌دهد، بلکه به زیبایی و خوانایی فضاها نیز کمک می‌کند. تعریف ورودی‌های کنترل‌شده، طراحی مسیرهای پیاده و ایجاد فضاهای جمعی فعال مانند حیاط‌های مشترک، پاتوق‌ها، کافه‌ها، بازارهای محلی و فضاهای فرهنگی، بستری برای تعامل اجتماعی و تقویت حس تعلق به محله فراهم می‌آورد.

در کنار این موارد، تفکیک منطقی و سلسله‌مراتبی فضاهای خصوصی، نیمه‌خصوصی و عمومی و استفاده‌ی آگاهانه از فضاهای گذار و مرزهای فیزیکی منعطف، امکان مدیریت حریم‌ها و درنتیجه افزایش حس مالکیت و امنیت روانی ساکنان را فراهم می‌کند. به‌کارگیری تنوع در طراحی، رنگ و مقیاس، پرهیز از یکنواختی و خلق چشم‌اندازهای معنادار، خوانایی فضا را افزایش می‌دهد و از طریق تحریک حواس بصری، هویتی منحصربه‌فرد برای هر مجتمع و محله ایجاد می‌کند. استفاده از عناصر سنتی و بومی در طراحی و بهره‌گیری از ویژگی‌های اقلیمی مانند تابش نور، تهویهی طبیعی و فضای سبز درون‌ساختمانی نیز محیطی سالم‌تر، دل‌پذیرتر و پایدارتر برای ساکنان فراهم می‌آورد.

از منظر اجتماعی و عدالت فضایی، توجه به طراحی مناسب برای معلولان و سالمندان، ایجاد پیوستگی در مسیرهای حرکتی، حذف موانع فیزیکی غیرضروری و پیش‌بینی نقاط توقف و مکث در طول مسیرها، علاوه بر ارتقای راحتی فیزیکی، به گسترش حس مشارکت و حضور فعال گروه‌های مختلف اجتماعی در فضا کمک می‌کند. این امر خود عاملی برای افزایش امنیت و تقویت سرمایهی اجتماعی در محله خواهد بود.

از سوی دیگر، ترکیب کاربری‌های مسکونی، تجاری و خدماتی درون مجتمع‌ها و/یا در همسایگی آن‌ها، باعث افزایش سرزندگی، کاهش سفرهای غیرضروری، تقویت پیوند میان فضا و کاربران و ارتقای اقتصاد محلی می‌شود. پیش‌بینی مکان‌های مناسب برای فعالیت‌های اقتصادی خرد و خدمات محلی ضمن پاسخ به نیازهای روزمرهی ساکنان، فرصت تعاملات اجتماعی بیش‌تری را نیز فراهم می‌آورد. توجه به نگهداری مستمر فضاهای عمومی و مشترک نیز نه‌تنها از زوال فیزیکی محیط جلوگیری می‌کند، بلکه مانع کاهش حس تعلق و افت سرمایهی اجتماعی در گذر زمان می‌شود.

درمجموع، یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد طراحی مجتمع‌های مسکونی نباید صرفاً به تأمین نیازهای عملکردی بسنده کند، بلکه باید به شکل نظام‌مند به مؤلفه‌های هویتی، تعلق مکانی، آسایش روانی، تنوع فضایی و پایداری اجتماعی بپردازد. معماری، اگر با درک عمیق‌تری از ابعاد انسانی، فرهنگی و محله‌ای همراه شود، می‌تواند بستر شکل‌گیری جوامعی پویا، امن و معنادار باشد و به ارتقای سرمایه‌ی اجتماعی و کیفیت زندگی شهری کمک کند.

در عصر تغییرات سریع، رشد عمودی شهرها و کاهش پیوندهای اجتماعی در محیط‌های شهری، توجه به هویت محله‌ای و بُعد انسانی طراحی، ضرورتی اساسی برای ساخت آینده‌ای پایدارتر در زیست‌محیط‌های شهری به شمار می‌رود. تحقق چنین هدفی مستلزم آن است که معماران، برنامه‌ریزان شهری، مدیران و ساکنان در فرایندی مشارکتی، ارزش‌های کالبدی و معنایی محله را بازتعریف و تقویت کنند. در این صورت، مجتمع‌های مسکونی نه‌تنها به‌عنوان مکان‌های سکونت، بلکه به‌مثابه‌ی کانون‌های هویت، تعامل و پایداری اجتماعی عمل خواهند کرد و می‌توانند الگویی برای بازآفرینی بافت‌های شهری معاصر باشند.

تعارض منافع

درانجام مطالعه حاضر، هیچگونه تضاد منافعی وجود ندارد.

تشکر و قدردانی

نگارندگان بر خود لازم می‌دانند از تمامی افرادی که به تیم پژوهش کمک کردند و نظرات ارزشمندشان را در مورد متن مقاله‌ی حاضر ارائه دادند، سپاسگزاری کنند. مقاله حاضر برگرفته از پایان نامه کارشناسی ارشد می‌باشد.

مشارکت نویسندگان

در نگارش این مقاله تمامی نویسندگان نقش یکسانی ایفا کردند.

موازین اخلاقی

این پژوهش با رعایت تمامی اصول اخلاق در پژوهش‌های انسانی انجام شده است.

شفافیت داده‌ها

داده‌ها و مآخذ پژوهش حاضر در صورت درخواست از نویسنده مسئول و ضمن رعایت اصول کپی رایت ارسال خواهد شد.

حامی مالی

این پژوهش حامی مالی نداشته است.

References

Alexander, C. (1977). *A pattern language: Towns, buildings, construction*. Oxford University Press.
Anastasiou, D., Tasopoulou, A., Gemenetzi, G., Gareiou, Z., & Zervas, E. (2022). Public's perceptions of urban identity of Thessaloniki, Greece. *Urban Design International*, *27*(1), 18–33. https://doi.org/10.1057/s41289-021-00171-w
Anton, C. E., & Lawrence, C. (2014). Home is where the heart is: The effect of place of residence on place attachment and community participation. *Journal of Environmental Psychology*, *40*, 451–461. https://doi.org/10.1016/j.jenvp.2014.10.007

Arbab, P., Azizi, M. M., & Zebardast, E. (2015). Explanation of the key criteria in the process of place identity formation in new urban development (Case study: District 22 of Tehran). *Honar-Ha-Ye-Ziba: Memari-Va-Shahrsazi*, *20*(4), 5–20. [In Persian]. https://doi.org/10.22059/jfaup.2016.59666

Arzhmand, M., & Khani, S. (2012). The role of privacy in the architecture of Iranian house. *Iranian Islamic City Studies*, *2*(7), 27–38. [In Persian]. https://www.sid.ir/paper/177309/fa

Azizi, M. M. (2006). Sustainable residential neighborhood: A case study of Narmak. *Honar-Ha-Ye-Ziba, (27)*, 35–46. [In Persian]. https://journals.ut.ac.ir/article_18424.html

Behzadfar, M. (2007). *City identity: A view on Tehran city identity*. Shahr Publications. [In Persian].

Behzadpour, M., Gorji Mahlabani, Y., & Soheili, J. (2020). Evaluating the role of nature on neighboring interactions in residential complexes (Case study: Ekbatan Complex in Tehran and Pardisan Complex in Qom). *Journal of Environmental-Based Territorial Planning*, *13*(48), 131–152. [In Persian]. https://ensani.ir/fa/article/433503

Bilgenoğlu, B. (2006). *Changing identity of space/place: The case of Bars Street in Bodrum* (Master's thesis, Bilkent University, Turkey). Bilkent University Institutional Repository. http://hdl.handle.net/11693/29841

Boshagh, M. R., Salarvand, E., & Tabrizi, J. (2014). An analysis of housing sustainability indicators in rural areas (Case study: Eastern Silakhor Rural District, Azna County). *Geography and Environmental Planning*, *25*(2), 191–208. [In Persian]. https://gep.ui.ac.ir/article_18765.html

Brown, B., Perkins, D. D., & Brown, G. (2003). Place attachment in a revitalizing neighborhood: Individual and block levels of analysis. *Journal of Environmental Psychology*, *23*(3), 259–271. https://doi.org/10.1016/S0272-4944(02)00117-2

Coolen, H. (2008). *The meaning of dwelling features: Conceptual and methodological issues* (Sustainable Urban Areas, Vol. 24). Delft University Press. https://doi.org/10.3233/978-1-58603-955-4-i

Cooper, C. (1974). The house as symbol of the self. In J. Lang, C. Burnette, W. Moleski, & D. Vachon (Eds.), *Designing for human behavior: Architecture and the behavioral sciences* (pp. 130–146). Dowden, Hutchinson & Ross.

Cuba, L., & Hummon, D. M. (1993). A place to call home: Identification with dwelling, community, and region. *The Sociological Quarterly*, *34*(1), 111–131. https://doi.org/10.1111/j.1533-8525.1993.tb00133.x

Einifar, A. (2000). Human-environmental factors influencing the design of residential complexes. *Honar-Ha-Ye-Ziba, (8)*, 109–118. [In Persian]. https://journals.ut.ac.ir/article_10825.html

Einifar, A. (2007). The dominant role of basic general patterns in the design of contemporary residential neighborhoods. *Honar-Ha-Ye-Ziba, (32)*, 39–50. [In Persian]. https://journals.ut.ac.ir/article_18485.html

Einifar, A., & Aghalatifi, A. (2011). The concept of territory in residential complexes: A comparative study of high-rise and ground-level complexes in Tehran. *Honar-Ha-Ye-Ziba: Memari-Va-Shahrsazi, (47)*, 17–28. [In Persian]. https://journals.ut.ac.ir/article_24921.html

Fakhookhi, N., & Hossein Yazdi, M. (2013). Spatial identity and lack of identity in urban space: A case study of two residential complexes in Tehran. *Iranian Journal of Anthropological Research*, *3*(2), 7–44. [In Persian]. https://doi.org/10.22059/ijar.2013.50426

Fallah Zaroumi, Z., & Hamzehnejad, M. (2023). Recognizing the identity-giving components of architecture in the era of globalization and explaining Islamic architectural identity (with analysis of the identity elements of Masjid al-Haram and Imam Reza Shrine). *Khorasan-e Bozorg*, *14*(25), 19–26. [In Persian]. https://doi.org/10.22034/jgk.2023.176214

Galster, G. (2001). On the nature of neighbourhood. *Urban Studies*, *38*(12), 2111–2124. https://doi.org/10.1080/00420980120087105

Gharavi Alkhansari, M. (2017). From traditional to contemporary neighborhood: An investigation into strategies for reviving local identity in today's city. *Armanshahr Architecture & Urban Development*, *10*(21), 61–76. [In Persian]. http://www.armanshahrjournal.com/article_56254.html

Ghasemi Esfahani, M. (2004). *Where do we belong? (Identity to residential fabrics)*. Rozaneh Publications. [In Persian].

Ghasemi, V., & Negini, S. (2010). The impact of neighborhood fabric on social identity with emphasis on neighborhood identity in Isfahan. *Urban and Regional Studies and Research*, *2*(7), 113–136. [In Persian]. https://urs.ui.ac.ir/article_19754.html

Golmohammadi, A. (2013). *Globalization of culture, identity* (6th ed.). Ney Publishing. [In Persian].

Hornby, A. S. (1987). *Oxford advanced learner's dictionary of current English*. Oxford University Press.

Hur, M., & Morrow-Jones, H. (2008). Factors that influence residents' satisfaction with neighborhoods. *Environment and Behavior*, *40*(5), 619–635. https://doi.org/10.1177/0013916507307483

Jahani Dowlatabad, R., Shamaei, A., & Jahani Dowlatabad, E. (2013). Measuring neighborhood identity with an emphasis on the role of civil organizations in District 7 of Tehran. *Applied Research of Geographical Sciences*, *13*(31), 190–210. [In Persian]. https://jgs.khu.ac.ir/article-1-1647-fa.html

Jokar, S., Hajilou, M., Meshkini, A., & Esmaeili, A. (2021). Assessment of urban identity in newly built neighborhoods; Case of Pardis neighborhood in Ahvaz city, Iran. *GeoJournal*, *87*(4), 3123–3138. https://doi.org/10.1007/s10708-021-10427-7

Khadem Mokher, E., Gharaei, F., & Ghasemi Esfahani, M. (2017). Identifying the impact of neighborhood fabric identity on residents' satisfaction (Case studies: Ali Gholi Agha and Valiasr neighborhoods in Isfahan). *Spatial Planning*, *7*(2), 59–78. [In Persian]. https://doi.org/10.22108/sppl.2017.21634

Kiani, M. (2021). Socio-economic status and feeling of neighborhood identity in new towns (Case study: Baharestan new town). *Journal of Islamic Art Studies*, *18*(41), 394–405. [In Persian]. https://doi.org/10.22034/ias.2021.268711.1504
Lynch, K. (2002). *A theory of good city form* (H. Bahrainy, Trans.; 6th ed.). University of Tehran Press. [In Persian].
Majidi, B., & Heidari, S. (2017). Evaluating place identity in urban neighborhoods (Case study: Sangelaj neighborhood, District 12, Tehran). *Journal of Urban Ecology Research*, *8*(16), 13–22. [In Persian]. https://doi.org/10.30473/grup.2017.4332
Martin, D. G. (2003). "Place-framing" as place-making: Constituting a neighborhood for organizing and activism. *Annals of the Association of American Geographers*, *93*(3), 730–750. https://doi.org/10.1111/1467-8306.9303011
Meshkini, A., Ziari, K., & Hayati, A. (2016). Assessment of social identity in urban neighborhoods (Case study: Evin neighborhood, Tehran). *Human Geography Research Quarterly*, *47*(4), 589–607. [In Persian]. https://doi.org/10.22059/jhgr.2016.51614
Mohammadizadeh Samakoosh, S., & Shiri, A. (2019). Evaluation of path analysis model in the study of neighborhood identity in Velenjak, Hesarak and Vahidieh in Tehran. *Quarterly Journal of Geography (Regional Planning)*, *9*(34), 283–303. [In Persian]. http://www.jgeoqeshm.ir/article_89632.html
Mohammadizadeh Samakoosh, S., Saboori Khosrowshahi, H., & Ronaghi Notash, M. (2021). Investigating factors affecting neighborhood identity in Tehran. *Quarterly Journal of Geography (Regional Planning)*, *11*(44), 1–16. [In Persian]. https://doi.org/10.22034/jgeoq.2021.134015
Moeedfar, S., & Moghadam, G. (2010). The role of neighborhood identity in reducing and controlling deviant social behavior in cities (Tehran neighborhoods study). *Social Problems of Iran*, *1*(2), 115–143. [In Persian]. https://doi.org/10.22059/ijsp.2010.21855
Montgomery, J. (1998). Making a city: Urbanity, vitality and urban design. *Journal of Urban Design*, *3*(1), 93–116. https://doi.org/10.1080/13574809808724418
Motalebi, G. (2006). A human approach to shaping urban spaces. *Honar-Ha-Ye-Ziba*, *(27)*, 57–66. [In Persian]. https://journals.ut.ac.ir/article_18426.html
Mousavi, Y. (2002). The phenomenon of decline in social solidarity in metropolises. *The Journal of Spatial Planning*, *6*(2), 113–133. [In Persian]. https://spres.modares.ac.ir/article-21-9311-fa.html
Nabavi, S., Javan Forouzandeh, A., Motalebi, G., & Yaghoubi, M. (2022). Semiotics of common-sense wisdom and its impact on identity recovery of residential complexes (Case study: Residential complexes of Urmia). *Hoviatshahr*, *16*(49), 35–48. [In Persian]. https://doi.org/10.22034/jest.2020.24315.3331
Naderian, Z. (2017). Socio-cultural regeneration of urban spaces to enhance neighborhood identity (Case study: Sang-e-Shir neighborhood of Hamadan). *Haft Hesar Journal of Environmental Studies*, *5*(19), 87–96. [In Persian]. http://hafthesar.iauh.ac.ir/article-1-294-fa.html
Naghizadeh, M. (2002). The impact of architecture and urban spaces on cultural values. *Honar-Ha-Ye-Ziba*, *(11)*, 62–76. [In Persian]. https://journals.ut.ac.ir/article_10848.html
Navabakhsh, M., Hajiani, E., & Bohloul, S. M. R. (2012). Investigating and evaluating the extent of neighborhood identity among Tehran citizens. *Urban Management Studies*, *4*(10), 15–27. [In Persian]. https://ums.srbiau.ac.ir/article_1947.html
Nejati Hosseini, S. M., & Shahsiah, Z. (2012). Sociological study of neighborhood identity formation in Tehran (Case study: Pamenar and Olympic Village). *Iranian Journal of Sociological Studies*, *2*(4), 1–19. [In Persian]. https://dorl.net/dor/20.1001.1.23225777.1391.2.4.1.7
Omid, H. (2009). *Amid Persian dictionary*. Farhang Nama Publications. [In Persian].
Pourdeihimi, S., Mashayekh Faridani, S., & Nourtaghani, A. (2013). Housing and identity: Investigating the interaction mechanism of residents' identity and the residential environment. *Housing and Rural Environment*, *32*(141), 3–18. [In Persian]. https://jhre.ir/article-1-420-fa.html
Proshansky, H. M., Fabian, A. K., & Kaminoff, R. (2014). Place-identity: Physical world socialization of the self (1983). In J. Gieseking, W. Mangold, C. Katz, S. Low, & S. Saegert (Eds.), *The people, place, and space reader* (pp. 77–81). Routledge. https://doi.org/10.4324/9781315816852-16
Relph, E. (1976). *Place and placelessness*. Pion Limited.
Safarnejad, M., Karimi Azari, A. R., & Gholamalizadeh, H. (2016). Identifying factors influencing urban identity promotion and citizen place attachment in cultural and administrative buildings design (Case study: Rasht city). *Cultural Research Society*, *9*(4), 1–32. [In Persian]. https://doi.org/10.22631/ijcr.2016.368
Sampson, R. J., & Raudenbush, S. W. (2004). Seeing disorder: Neighborhood stigma and the social construction of "broken windows". *Social Psychology Quarterly*, *67*(4), 319–342. https://doi.org/10.1177/019027250406700401
Saraei, M. H., Rusta, M., & Oshnoei, A. (2015). Assessment of neighborhood identity in Jahrom city. *Urban Planning Knowledge*, *3*(1), 69–84. [In Persian]. https://doi.org/10.22059/jurbangeo.2015.54583
Schwirian, K. P. (1983). Models of neighborhood change. *Annual Review of Sociology*, *9*(1), 83–102. https://doi.org/10.1146/annurev.so.09.080183.000503
Shamaei, A., & Jahani, R. (2011). Investigation of vertical city development impacts on neighborhood identity (Case study: Region 7 of Tehran). *Iranian Islamic City Studies*, *2*(6), 73–82. [In Persian]. https://www.sid.ir/paper/177301/fa

Tabibian, M., & Mansouri, Y. (2013). Environmental quality promotion and life satisfaction in new neighborhoods by prioritizing actions based on residents' opinions (Case study: Kashan). *Journal of Environmental Studies*, *39*(4), 1–16. [In Persian]. https://doi.org/10.22059/jes.2013.36440

Tahmasebizadeh, F., & Masoud, M. (2022). Analysis of place identity indicators in new urban neighborhoods (Case study: Negin-e Shahr Town, Isfahan). *Social Development & Welfare Planning*, *13*(53), 121–160. [In Persian]. https://doi.org/10.22054/qjsd.2022.65824.2274

Torkashvand, A., Jahanbakhsh, H., & Kariminezhad, M. (2017). Recognition of factors influencing the formation of collective memory and identity in urban spaces around historical bridges. *Journal of Iranian Architecture & Urbanism (JIAU)*, *(13)*, 5–14. [In Persian]. https://doi.org/10.30475/isau.2017.62024

Twigger-Ross, C. L., & Uzzell, D. L. (1996). Place and identity processes. *Journal of Environmental Psychology*, *16*(3), 205–220. https://doi.org/10.1006/jevp.1996.0017

Vaezi, M., & Alimardani, M. (2018). The concept of identity and a philosophical approach to the identity and nature of the city. *Bagh-e Nazar*, *15*(62), 47–56. [In Persian]. https://doi.org/10.22034/bagh.2018.66579

Vahida, F., & Negini, S. (2012). Construction and validation of the neighborhood identity scale. *Urban Sociological Studies*, *2*(2), 35–58. [In Persian]. https://dorl.net/dor/20.1001.1.23222107.1391.2.2.3.2

Wilson, J. Q. (Ed.). (1966). *Urban renewal: The record and the controversy*. MIT Press.

Wolford, R. L. (2008). *Wandering in dwelling* (Master's thesis, Washington State University). WSU Research Exchange. https://hdl.handle.net/2376/1632

Recognizing Influential Components in the Design of Residential Complexes with an Emphasis on Enhancing Neighborhood Identity

Extended Abstract

Introduction

Over the past two centuries, Tehran has transformed from a modest historical settlement into a dense, sprawling metropolis. This dramatic urban expansion, driven by massive domestic rural-to-urban migration, rapid population influxes, and unbridled mass housing developments, has created severe socio-spatial disruptions. The prevailing contemporary paradigm of residential architecture in metropolitan Tehran is dominated by speculative high-density and vertical developments that heavily prioritize quantitative capacity, physical exploitation, and economic profitability while systematically marginalizing psychological, cognitive, and social dimensions. As a direct consequence, traditional neighborhood structures, cohesive communal networks, and place attachment have undergone severe deterioration. Urban residential environments are increasingly perceived as generic, alienated, and non-place spaces (*non-lieux* in Relph's spatial ontology), where anonymity reigns and collective solidarity erodes.

Neighborhood identity serves as a bedrock for urban well-being and social sustainability. Grounded in environmental psychology and urban design theory—anchored by the seminal contributions of Proshansky, Fried, Alexander, Relph, and Twigger-Ross and Uzzell—identity is conceptualized as an intricate composite formed by the cognitive, emotional, and social bonds individuals construct with their immediate physical surroundings. Twigger-Ross and Uzzell established that place identity fulfills fundamental psychological needs: distinctiveness, self-efficacy, self-esteem, and temporal continuity. Modern residential complexes, functioning as microcosms of the broader urban fabric, represent the primary locus of daily communal life. Therefore, the core objective of this study is to systematically identify, categorize, and prioritize the multidimensional architectural and spatial factors that govern residential complex design, specifically oriented toward fostering neighborhood identity, strengthening social interactions, and reviving place attachment.

Methodology

This investigation adopted an applied, descriptive-analytical research design that integrates theoretical synthesis with quantitative multi-criteria evaluation. The procedural framework unfolded in two primary methodological phases:

1. **Analytical Grounding and Variable Extraction:** A comprehensive qualitative review of international and domestic literature on urban design, environmental psychology, and residential architecture was undertaken. Drawing from seminal frameworks—such as Lynch's imageability, Montgomery's urban vitality model, Canter's theory of place, and Wilson and Kelling's broken windows hypothesis—a holistic four-dimensional evaluative framework was established, comprising: (a) *Semantic Dimension*, (b) *Social Dimension*, (c) *Physical/Morphological Dimension*, and (d) *Functional/Behavioral Dimension*. Each main dimension was decomposed into relevant constituent sub-criteria reflecting tangible and intangible environmental qualities.
2. **Hierarchical Weighting via Analytic Hierarchy Process (AHP):** To prioritize the identified dimensions and sub-components based on expert consensus, the Analytic Hierarchy Process (AHP) was implemented. A panel of 12 purposively selected academic and professional experts in urban planning and architecture completed paired-comparison matrices. Relative importance weights were elicited using Saaty's fundamental 1–9 semantic scale. The empirical computational calculations, synthesis of localized and global priorities, and sensitivity evaluations were executed using *Expert Choice 11* software. Judgments with an Inconsistency Ratio (IR) exceeding the critical

threshold of 0.100.100.10 were systematically revised and re-evaluated through iterative expert feedback, ensuring mathematical consistency and rigorous empirical validity.

Results

The empirical outputs of the AHP pairwise evaluations revealed sharp distinctions regarding the relative impact of the core dimensions and their underlying sub-criteria on fostering neighborhood identity:

- **Main Dimension Prioritization:**

  The *Semantic Dimension* emerged as the most decisive determinant, capturing the largest priority weight (W=0.454). It was followed by the *Social Dimension* (W=0.286), the *Physical Dimension* (W=0.160), and the *Functional Dimension* (W=0.100). This structural hierarchy clearly underscores that intangible psychological, affective, and social meanings take precedence over purely material and utilitarian spatial arrangements in defining neighborhood identity.

- **Sub-Criteria Weights within Dimensions:**
  - **Semantic Sub-Components:** Within the predominant semantic dimension, *Sense of Belonging and Attachment* demonstrated overwhelming dominance with a local weight of 0.688 It was succeeded by *Sense of Mental Serenity and Peace* (0.138), *Cultural Affinity and Symbolism* (0.108), and *Spatial Memory and Historical Continuity* (0.066).
  - **Social Sub-Components:** Within the social dimension, *Safety and Defensible Space* achieved the top priority (0.426), followed directly by *Social Interactions and Communitarian Relations* (0.225), *Spatial Privacy* (0.107), and *Participation in Neighborhood Maintenance* (0.098).
  - **Physical Sub-Components:** In the physical dimension, *Environmental and Spatial Comfort* ranked highest (0.283), followed by *Spatial Hierarchy and Privacy Gradients* (public-to-private articulation; 0.134), *Architectural Distinctiveness/Variety* (0.126), and *Climatic/Local Material Adaptation* (0.112).
  - **Functional Sub-Components:** Within the functional domain, *Functional Diversity and Self-Efficacy* obtained the highest priority (0.493), followed by *Affiliation with Nature and Green Infrastructure* (0.311), and *Pedestrian Accessibility and Spatial Permeability* (0.196).

Discussion and Conclusion

The empirical findings substantiate that neighborhood identity in contemporary residential complexes cannot be engineered through superficial physical morphology alone; rather, it emerges from a dynamic, dialectical synthesis of psychological meanings, social interactions, functional affordances, and architectural structures. The fact that the semantic and social dimensions collectively account for 74% of the total model weight reflects a profound paradigm shift: residents build identity primarily through emotional safety, psychological attachment, and daily neighborly encounters, rather than sterile geometric aestheticization.

From an urban planning and architectural standpoint, translating these results into practice necessitates actionable environmental design interventions:

1. **Defensible and Safe Communal Spaces:** Natural surveillance must be enhanced by designing active communal spaces (shared courtyards, landscaped terraces) oriented under direct visual oversight of residential units, eliminating blind spots, integrating human-scale illumination, and articulating semi-private thresholds to deter criminal opportunity and fear of crime.

2. **Nurturing Communal Life and Belonging:** Ground floors should be activated with diverse complementary amenities (e.g., local meeting corners, micro-markets, shared hobby hubs, childcare facilities) that stimulate spontaneous, multi-generational social exchange.
3. **Legible Hierarchy and Spatial Continuity:** Designers should establish clear transitional gradients between private residential quarters, semi-private shared corridors, semi-public courtyards, and public access ways, reinforcing personal control and communal stewardship.
4. **Integration of Nature and Biophilic Elements:** Seamless connections to pocket gardens, water features, and vegetation not only elevate physical comfort but significantly foster emotional tranquility, stress restoration, and sustained place attachment.

In conclusion, this research confirms that contemporary residential developments can overcome urban alienation by consciously integrating semantic warmth, communal defensibility, functional diversity, and architectural coherence. By actively embedding these prioritized identity-generating parameters into housing policies, urban design briefs, and zoning regulations, architects and urban authorities can transform vertical housing from isolating, commodified dormitory blocks into vibrant, socially resilient, and identity-rich neighborhood communities.

Keywords: Neighborhood identity, Residential complex, Social interactions, Neighborly relations, Sense of place.

Conflict of Interest

The authors declare that there is no conflict of interest regarding the publication of this study.

Acknowledgment

The authors would like to express their sincere gratitude to all individuals who assisted the research team and provided valuable feedback on the manuscript of this article. The present article is derived from a master's thesis.

Author Contributions

All authors contributed equally to the preparation of this manuscript.

Ethical Considerations

This study was conducted in accordance with all ethical principles for human research.

Data Transparency

The data and references supporting the findings of this study are available from the corresponding author upon reasonable request, provided that copyright and privacy policies are respected.

Funding

This research received no specific grant from any funding agency in the public, commercial, or not-for-profit sectors.